

دینار در روز

مقرری غلام پیشخدمت هائی که فروتر از احرار و بزرگان میباشند و مقرری ملازمان بازنشسته.	} ۱۶۷
مقرری ملازمان آبدارخانه عمومی و صندوق خانه و صنعتگران مانند زرگران، خیاطان، تکمه بندان، کفشگران، و آهنگران، ورفوگران و پوستدوزان و نواردوزان و غلاف سازان و صحافان و عطاران و جارچیان و نجاران و خراطان و سبذیافان و امثال آنان.	} ۱۰۰ $\frac{۱}{۴}$
مقرری اهل حرم.	۱۰۰
بهای علیق چهارپایان پنج اسطبل.	۴۰۰
مصرف خرید چهارپایان مانند اسب و شتر و غیره.	۶۶ $\frac{۲}{۴}$
مقرری آشیزان.	۳۰
مقرری فراشان، دوشندگان شیر، انبارداران فرش و باربران.	۳۰
مقرری رکابداران، یدک کشان، زین داران و خدمتگزاران چارپایان (برید).	} ۵
مقرری ندیمان و مفتیان و امثال آنان.	۴۴
مقرری دستهای از پزشکان و شاگردانشان.	۲۳ $\frac{۱}{۴}$
مقرری شکارچیان مانند بازداران، یوزبانان، توله داران، و مانند آنان.	} ۷۰
مقرری ناوچیان و ناویان جنگی و کشتی های آتش انداز و کشتی- های دیگر.	} ۱۶ $\frac{۲}{۴}$
مقرری بهای نفت، نفت اندازان و مشعل چیان و اجرت مشعل چیان.	۴
مقرری پول صدقه که همه روزه هنگام نماز بامداد در پارچه سیاه آماده میکردند.	} ۱۵
مستمری فرزندان متوکل.	۳۳ $\frac{۱}{۴}$
مستمری فرزندان وائق.	۱۶ $\frac{۲}{۴}$

دینار در روز

مستمری فرزندان ناصر	۱۶ $\frac{۲}{۳}$
مقرری سران بنی هاشم و صاحبان رتبه و خطیبان مسجدها.	۲۰
عموم افراد خاندان هاشمی (طالبی - عباسی).	۳۳ $\frac{۱}{۳}$
عبداللہ بن سلیمان باضافه مابقی پانصد دینار مستمری فرزندش قاسم - در هر ماه.	۳۳ $\frac{۱}{۳}$
رؤسای نویسندگان و دفترداران و دربانان و مدیران و معاونان و سایر کارمندان دفتری و بهای دفترها و کاغذهای آنان بااستثنای نویسندگان دفاتر مقرری و عطایا و جانشینان آنان در مجالس پرداخت مقرری و معاونان آنها و خزانه داران، زیرا این جماعت اخیر مقرری خود را از محل مقرریهای قطع شده و غرامت و جریمه سوارانیکه بچارپایان خود رسیدگی نمیکنند باید دریافت دارند.	۱۵۶
مستمری اسحق بن ابراهیم قاضی و جانشین او یوسف بن یعقوب پدر ابو عمرو و فرزندان آن دو و ۱۰ فقیه دیگر.	۱۶ $\frac{۲}{۳}$
مستمری اذان گویان مسجد الحرام و مسجد حضرت رسول و مکبران و اقامه گویان و پیشنمازان و بهای روغن چراغ های مساجد و حصیر و بوریا و آب و بهای پرده برای تابستان و تجیر و ظروف سفالین و اداره مساجد در ماه رمضان.	۳ $\frac{۱}{۳}$
هزینه زندان و خوراک زندانیان.	۵۰ $\frac{۱}{۳}$
هزینه دوپل و بهای کشتیهای آن که عوض و بدل میشود و مزد یاسبانان دو جسر.	۱۰
هزینه بیمارستان صاعدی (غیر از آن در آن ایام بیمارستانی نبوده است) و مقرری پزشکان و پرستاران و چشم پزشکان و نگاهبانان دیوانه ها و دربانها و مرده کشته ها و غیره بضمیمه بهای خوراک و دارو و شربت بیماران.	۱۵

جمع کل ۶۹۷۴ دینار

بطوریکه ملاحظه میشود جمع این ارقام قریب هفت هزار دینار بوده که روزانه در ایام خلافت معتضد (۲۷۹) مصرف میشده و جمع سالانه آن دو میلیون و نیم (دینار) میباشد. حالا اگر هزینه ایام خلافت مأمون و معتصم را نیز بهمین مبلغ فرض کنیم بعقیده ما هزینه آنان کمتر بوده چه در اواخر قرن سوم شماره بردگان و زرخردان بیش از اوایل قرن سوم بوده است، و اگر دینار آنرا بعدا کثریست درهم تبدیل نمائیم جمع میزان سالانه آن پنجاه میلیون درهم میشود و هر گاه آنرا از معدل مالیات سالانه (سالی ۳۶۰ میلیون درهم) کسر کنیم بقیه ۳۱۰ میلیون درهم اضافه بر خرج باقی میماند و یا دست کم سیصد میلیون درهم خالص عاید خزانه میشده است و دولتی که هر ساله چنین پس انداز بزرگی داشته با ثروت ترین دولتهای روی زمین میباشد، چه که تا کنون جز آنچه راجع بایران و روم گفته شد، نشنیده ایم که هیچ دولتی نصف این مبلغ و یا چهارینک و یا ده یک آنرا پس انداز داشته باشد. و علاوه بر این هزینه مزبور قسمت کمی از مجموع مالیات دولت عباسی بوده چه که این مقدار معادل اموالی است که احمد بن محمد طائی از بابت مالیات نواحی ذیل تعهد کرده بود: زمینهای آب خور دجله - فرات - جوفی - واسط - کسکر - جریب های نهر بوق - ذی بین - کلوازی - نهرین - ذانین - راه خراسان.

و تمام این نواحی از کشور عراق است و خود جزئی از امپراطوری بزرگ اسلامی شمرده میشود. چنانکه از مراجعه بصورت حساب قدامه این موضوع بخوبی روشن میگردد. در هر حال شکی نیست که هزینه دولت عباسی از بابت یک قسمت از مالیاتهای ممالک اسلامی تأمین میشده است.

برای روشن شدن میزان ثروت آن روز با تمدن فعلی باید آن
 تطبیق و مقایسه آن
 ثروت با پول امروز
 اموال را پول امروز تبدیل کنیم. از آنرو میگوئیم که یک دینار
 در نیمه اول قرن سوم هجری پانزده درهم خرد میشده و ثروتی
 که سالانه بطور خالص بخزانه (بیت المال) میرسیده بیست میلیون دینار بوده است

و بحساب امروزهای هر لیره (جینه مصری ۱) دودینار است و از آن هر ساله ده میلیون لیره (جینه مصری) پس انداز خالص خلفای عباسی میشده است .

نکته دیگر اینکه ارزش پول بر حسب اختلاف کالائی که با آن مبادله میشود و یا مردمی که بوسیله آن استخدام میشوند تفاوت مییابد. مثلاً فرض کنیم در یک کشور، اردب (۲) گندم پنجاه قروش (۳) و در کشور دیگر صد قروش میباشد البته در کشور اول ارزش هزار لیره با اندازه دو هزار لیره در کشور دوم است .

همینقسم در یک کشور ارزش پول باختلاف زمان تغییر میکند . مثلاً کسانی که در اوایل قرن گذشته چند هزار قروش دارائی داشتند از توانگران (مصر) بشمار میآمدند، چه که بهای همه چیز ارزان بود ولی رفته رفته جمعیت زیاد شد و تجملات زندگی افزون گشت و موجبات دیگر نیز پیش آمد که در نتیجه طبقه متوسط همان چند هزار قروش سابق را فعلاً در یک ماه مصرف میکنند و چنانکه می بینیم بهای زرد در کشور مصر در این سالهای اخیر تفاوت بسیار کرده ، حکومت مصر باید متوجه این موضوع باشد زیرا که بهای طلا در حقوق کارمندان دولت تأثیر کالی دارد و بهای خوراکی و کرایه خانه قریب یک ربع از پنج شش سال پیش زیاد تر شده است . مثلاً کارمندی که در آن موقع ماهی هزار قروش خرج زندگی خود و خانواده اش میکرد اکتون بزحمت با ماهی هزار و دو بیست و پنجاه یا ماهی هزار و سیصد قروش زندگی میکند . در صورتی که حقوق او همان بوده که آن موقع میگرفته است و این تفاوت را ناشی از تنزل بهای طلا میدانند. و از آن رو لازم است که بمقدار گرانی نرخ کالاها حقوق کارمندان نیز اضافه شود .

حال برای اینکه از نظر ارزش پول مقدار ثروت دوره عباسی با ثروت امروز تطبیق شود باید بهای کالاهای آنروز و دستمزد کارگران آنروز را با بهای کالاهای امروز و دستمزد مزدوران امروز تطبیق و مقایسه کنیم. اینک میگوئیم که در صورت حساب

۱- جینه مصری برابر با پنج دلار است (تقریباً) . مترجم

۲- یک اردب گندم فعلاً مساوی با ۱۵۰ کیلو گندم میباشد . مترجم

۳- صد قروش یک جینه مصری است . مترجم

قدامه يك كر، جوو گندم مخلوط آن زمان سی دینار میارزیده است و کر عراقی مساوی چهل اردب است و بهای يك اردب گندم وجود در عصر حاضر (موقع تألیف کتاب سال ۱۹۰۲ میلادی در مصر) تخمیناً یک لیره است و چهل اردب هشتاد لیره یعنی سه برابر قیمت آن ایام ارزش دارد.

اما مزد بنادر زمان منصور یک قیراط نقره و روز کاری یعنی کارگر روزانه دو حبه مزد داشته است. و در عراق آن روز قیراط ۱ دینار و حبه ۱/۳ آن بوده است و از آن قرار مزد بنا با پول امر و مصر سه قروش و مزد کارگر (عمله) يك قروش میشد که تقریباً يك سوم یا يك چهارم دستمزد کنونی میباشد و از این مقایسه و تحقیق چنان بر میآید که ارزش پول در عصر عباسی سه برابر بوده و با آن حساب ده میلیون دینار پس انداز آنان، سی میلیون دینار ارزش داشته است. و این مبلغ هنگامت در تحت اختیار خلیفه بوده که هر نوع صلاح خود و یا مملکت را میدید آن پول را مصرف میکرد.

با این وصف اگر شنیده شود که خلیفه برای فلان قصیده صد هزار درهم یا ده هزار دینار جایزه داده نباید موجب تعجب گردد، چون در عصر حاضر بچشم خود میبینیم فلان توانگر هم برای خرید يك تابلوی نقاشی صد هزار لیره و برای يك قطعه آثار عتیقه نیم میلیون، یا يك میلیون لیره پول میدارد، زیرا این نوع بذل و بخششها و خرید و فروشها نتیجه مستقیم زیادی ثروت است. بهر حال با اینکه منابع درآمد دولت های فعلی بمراتب زیاد تر از منابع دولت عباسی میباشد معذک کمتر دولتی در حال حاضر سالی يك میلیون لیره پس از انداز پیدا میکند. مثلاً در آمد دولتهای بریتانیای کبیر که از دولتهای بزرگ دنیا محسوب میشود و بما (بمصر) از دیگران نزدیکتر است در سال ۱۹۰۰ میلادی قریب صد و بیست میلیون لیره میشده و پاره ای از ارقام در آمد آن اقلام ذیل است.

- ۱- رسومات مشروبات الکلی و چای و دخانیات ۲۲/۰۰۰/۰۰۰ لیره
- ۲- بهای پروانه فروش این کالاها ۳۲/۰۰۰/۰۰۰
- ۳- مالیات بر درآمد ۱۸/۵۰۰/۰۰۰

۴- تمپر پست

۱۳/۰۰۰/۰۰۰ لیره

۵- بهای تلگراف

۳/۰۰۰/۰۰۰

۶- بهای تمپر اسناد

۸/۵۰۰/۰۰۰

جمع کل ۹۷/۰۰۰/۰۰۰ لیره

بقسمی که ملاحظه میشود قریب چهار پنجم این درآمد در زمان عباسیان وجود نداشته است، و معذک در آمد آنان بآن مبلغ عظیم میرسیده است.

دولت های امروز چنانکه می بینیم خرجشان بدخلشان نمیرسد و با اینکه دخل و خرجشان برابر میگردد و کمتر دولتی است که پس انداز مختصری (در حدود سالی یک میلیون لیره و کمتر) پیدا کنند بلکه اگر پیش آمد های غیر منتظره ای روی دهد خزانه دولتهای بزرگ امروز از پرداخت مخارج آن پیش آمدها عاجز میمانند، مثلاً در سالهای اخیر دولت بریتانیا بواسطه جنگ افریقای جنوبی دچار بحران مالی گشت و بنا بقول مشهور مجبور بوام گرفتن شد. پس فرق میان بودجه دولتهای فعلی و بودجه دولتهای عباسی چیست؟ برای پاسخ باین پرسش باید دانست که چگونه و از چه راههایی این ثروت در زمان عباسیان جمع میشده است.

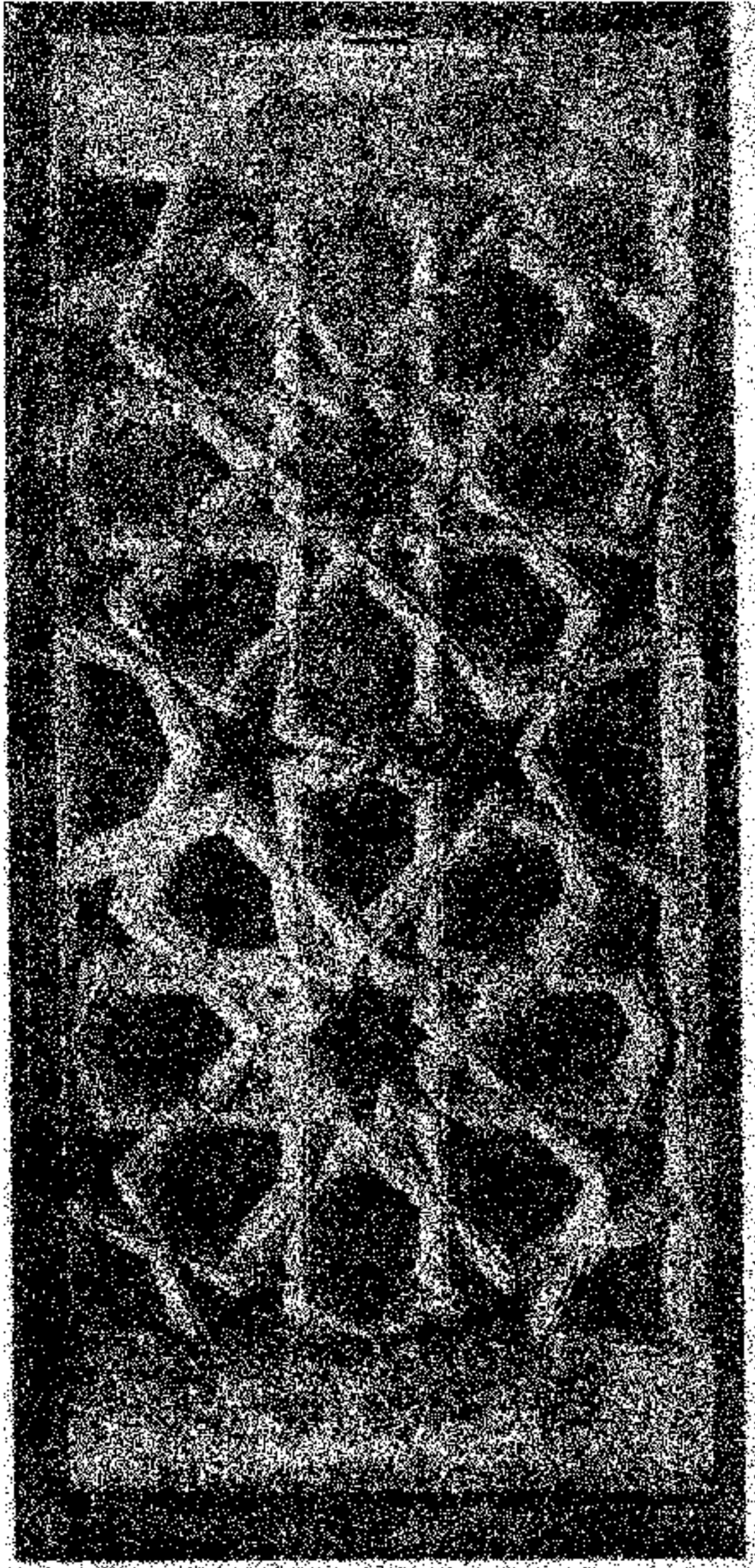
**موجبات ثروت
عباسیان**

بدیهی است که پیدایش این ثروت در اثر کمی هزینه و فراوانی در آمد است و آنچه در خزانه (بیت المال) میمانده دخل اضافه بر خرج بوده است. بنابراین ابتداء از منابع عایدات آن زمان و سپس از اقلام هزینه صحبت میداریم و اختلاف درآمد و هزینه را شرح میدهیم و علل زیادی دخل و کمی خرج را بیان میکنیم.

منابع درآمد

در اوایل هجرت منابع درآمد منحصر بزکوة بود. سپس در واقعه بدر کبری موضوع غنائم نیز بر آن افزوده شد. پیغمبر اکرم باءدهای از یهود و نصاری مقيم عربستان صلح کرده از آنان جزیه میگرفت از آنرو هنگام وفات حضرت رسول منابع درآمد مسلمانان زکوة و غنائم و جزیه بود.

بعد از فتح شام و مصر و عراق خراج و ده يك زمین و گمرک تجارت نیز اضافه گشت و تا پایان دوره خلفای راشدین بهمین قرار رفتار میشد. در زمان بنی امیه علاوه



ع- پنجره سنگی مسجد جامع موصل قرن ششم هجری

بر درآمدهای قانونی فوق‌بازه‌ای مالیات‌های غیرقانونی نیز از مردم میگرفتند چنانکه شرح آن داده شد. از جمله مالیات‌های مخصوص دوره بنی‌امیه یکی مالیات ماهی است که محمد بن مروان (سال ۷۲) موقع حکمرانی در ارمنستان برقرار ساخت و گمان میرود ده یک کشتیرانی نیز از مالیات دوره بنی‌امیه باشد، همچنین مالیات پنج یک که از معدن‌ها دریافت میشد از درآمدهای دوره امویان بشمار می‌آید و بهمین ترتیب مبلغ عایدات متنوع و متعدد گشت و تا زمان عباسی بیازده فقره رسید از اینقرار :

- ۱- صدقه یا زکوة ۲- جزیه ۳- خراج ۴- گمرک داخلی ۵- باج ماهیگیری
- ۶- ده یک کشتیرانی ۷- پنج یک معدن‌ها ۸- گمرک خارجی ۹- عایدات ضرابخانه
- ۱۰- مستغلات ۱۱- مالیات صنعتگران و غیره

موجبات زیادی مالیات اراضی (خراج) بعه بود ؟ خراج مالیاتی است که بر زمین و یا محصولات زمین وضع میشود و موجبات زیادی آن متعدد بوده که مهمترین آن بدینقرار میباشد :

چون مهمترین اقلام مالیات همان خراج است و البته فزونی خراج کشور بسته بوسعت حاصلخیزی اراضی آن میباشد. و چنانکه میدانیم ممالک اسلام در زمان عباسیان بسیار وسیع و بلکه وسیع‌ترین ممالک دنیای قدیم بوده است. (بویژه اگر اسپانی را نیز جزء آن حساب کنیم). فقط ممالک اسکندر کبیر شاید بوسعت آن امپراطوری بزرگ میرسیده است.

۱- وسعت مملکت عباسیان

برای پی بردن بوسعت ممالک اسلامی در زمان عباسی کافی است که وسعت آن ممالک را در حال حاضر ذکر کنیم.

مساحت ممالک عباسی در قرن سوم هجری

نام کشور	دولت فعلی که در آن حکومت میکند	مساحت بمیل مربع	ملاحظات مترجم
ایران تماماً	دولت ایران	۶۲۸/۰۰۰	
افغانستان	مستقل	۲۱۵/۰۰۰	
بلوچستان	انگلیس	۱۳۰/۰۰۰	قسمتی متعلق بپاکستان و قسمتی متعلق بایران است

سند	انگلیس	۴۸/۰۰۰	جزء پاکستان است
ترکستان	روسیه	۲۵۷/۰۰۰	
قفقاز (تفلیس)	«	۱۵/۰۰۰	
ارمنستان و ترکیه	ترکیه	۲۷/۵۰۰	میان روسیه و ترکیه و ایران و عراق تقسیم شده است
عراق			
جزیره	ترکیه	۱۰۰/۲۰۵	} فعلاً مستقل هستند
سوریه		۱۰۹/۵۰۹	
فلسطین			
عربستان	ترکیه	۲۰۰/۰۰۰	مستقل است
مصر	«	۴۰۰/۰۰۰	«
نوبه و سودان	سودان	۳۰۰/۰۰۰	سودان مستقل است
طرابلس غرب	ترکیه	۳۹۸/۰۰۰	مستقل است
الجزایر	فرانسه	۱۸۴/۵۰۰	در حال شورش است
تونس	«	۵۱/۰۰۰	مستقل است
مراکش	«	۲۹۹/۰۰۰	مستقل است

جمع کل

۴/۳۲۸/۰۱۴ میل مربع

و بنا بر این مساحت ممالک در زمان عباسیان (بدون اسپانی) برابر مساحت تمام اروپا بوده است. و اگر مسلمانان مالیات اراضی تمام اروپا را جمع میکردند از مالیات ممالک خودشان بیشتر نمیشد. حال باید در نظر گرفت که اکنون چه ممالک بزرگی در اروپا وجود دارد و اگر دولتهای اروپائی فقط بمالیات اراضی اکتفا میکردند طبیعتاً کارشان راست نمیا آمد از آنرو است که مالیاتهای غیر مستقیم مثل مالیات توتون و مشروب و غیره وضع کرده اند.

این را هم باید گفت که تنها وسعت مملکت موجب ازدیاد ثروت نمیشد زیرا

در زمان سلطان سلیمان قانونی وسعت مملکت عثمانی تقریباً باندازه وسعت ممالک عباسی بود، معذک در آمد آن از ۶ میلیون فرانک تجاوز نکرد (چنانکه گفته شد) و بنا بر آن علاوه بر وسعت ممالک عباسی کوشش در امر کشاورزی، سنگینی مالیات، حاصلخیزی زمین و امثال آن موجب ازدیاد در آمد در دوره عباسیان میباشد.

در فصل مربوط بیت المال اشاره شد که خلفای بنی امیه و عمال

۴ - توجه مردم بامور کشاورزی

آنان برای وصول مالیات ارضی (خراج) همه نوع جور و ستم روا میداشتند و خواه و ناخواه مردم از کشاورزی دست کشیدند

و زمینها را بایر گذاردند بعلاوه شورش و انقلابات داخلی نیز در عراق و ایران و عدم رضایت مردم از اولیای امور موجب شد که امور کشاورزی مختل گردد و مردم برای زیان رساندن بدولت دست از زراعت بردارند و در نتیجه دهها و مزرعه ها را بی سرپرست رها کنند. اما در زمان عباسیان قضیه بر عکس شد. چون خلفای عباسی با اهل ذمه و موالی خوش رفتاری نمودند و جان آنانرا محفوظ و محترم داشتند و مردم هم رو بدهها و مزرعهها برگشته و بکشت و کار پرداختند.

خلفای دوره اول عباسی برای آبادی شهرها و دهها و حفظ جان و مال مردم مساعی زیاد بکار بردند، مثلاً منصور عمال ستمگر را بشدت تعقیب میکرد و اموال آنان را ضبط مینمود و آنرا در خزانه مخصوصی بنام بیت المال مظالم جمع میکرد و مأمورین مخصوصی با طرف روانه کرده بهای غله را تحقیق مینمود تا از آنرا به مردم تعدی نشود. همین قسم عملیات والین و قضایان و مأمورین مالیات را بادقت رسیدگی میکرد و اگر بهای غلات کم و زیاد میشد علت را میپرسید و اگر در حکم قاضی تردید میشد قاضی را سرزنش نموده بازپرسی میکرد. موالی که در زمان بنی امیه مثل برده و زر خرید بودند، در زمان عباسیان جزء ارکان دولت در آمدند و مورد توجه خلفاء واقع گشتند بقسمی که هر خلیفه بخلیفه دیگر از آنان سفارش مینمودند بخصوص مردم خراسان که بیش از دیگران نوازش میشدند از آنجمله منصور به پسر خود مهدی در باره آنان چنین میگوید:

«باموالی خودت (ساده تربگوئیم با بندگانت. مترجم) به نیکوئی رفتار کن،

مواظب حال آنان باش، آنها را مقرب در گاه بنما که اگر دشواری تو را پیش آید آنان کمک کار تو هستند، مخصوصاً مردم خراسان را سفارش میکنم، آنان یاران و شیعیان تو هستند و در راه استقرار دولت تو مال و جان فدا کردند.»

همینقسم مأمون و سایر خلفاء، باموالی بمهربانی رفتار مینمودند. منصور تمام اوقات خود را صرف اصلاح امور مملکت و ملت میکرد و با آسایش و راهنمایی مردم توجه بسیار داشت و امور مالی را از حیث درآمد و هزینه از روی عدالت رسیدگی مینمود. همین منصور پسر خود درباره مدارا و عدالت چنین وصیت میکند:

«پسر جان پادشاه پرهیزگاری، ورعیت باطاعت، و مملکت بعدالت اصلاح میگردد.»

دلایل بسیاری موجود است که پرهیزگاری و مهربانی و عدالت خواهی خلفای اول دوره عباسی را ثابت مینماید. مهدی مرتب در دیوان مظالم جلوس میکرد و بشکایت مردم از قضاة و مأمورین عالی رتبه دولت رسیدگی میکرد. داستانهای بسیاری از عدالت خواهی هرون زبانزد عام و خاص میباشد. و هر گاه که در حضور وی از ییاد صحبت میشد بگریه میافتاد، از آن جمله هنگامیکه ابوالعتاهیه را بزندان افکند کسی را مأمور نمود تا گفتار و کردار آن زندانی را برای وی گزارش داده و در ضمن گزارش روزانه بهرون گفته شد که ابوالعتاهیه این اشعار را روی دیوار زندان نگاشته است.

ترجمه اشعار:

«بخدا سوگند ستمگری زشت است و ستمگر همیشه سرزنش میشود»

«بزودی پیش کردگار خواهیم رفت و آنجا دادرسی میشود»

هرون که اینرا دانست بسیار گریست و زندانی را آزاد ساخت و از او حلالیت طلبید و هزار دینار باو بخشید. موقع دیگر هرون خوان بر نعمتی گسترده بزم مجللی آراست و بزرگان را به مهمانی فراخواند و ابوالعتاهیه را احضار کرد که در وصف آن بزم اشعاری بگوید ابوالعتاهیه این ابیات را سرود.

ترجمه اشعار:

«اکنون با پریرویان در کاخ های آراسته و پیراسته خوش باش»

« ولی آن هنگام که جان بسینه‌ات میرسد خواهی دانست که خود پسند بوده‌ای »
 هرون از شنیدن آن شعرها گریست. فضل بن یحیی با ابوالعناهیة پرخاش نموده
 گفت خلیفه از تو خواسته که او را شادمان سازی ولی تو او را گریانیدی .
 هرون گفت: ابوالعناهیة را وا گذارید، او مادرادر کوری و نایب‌تائی دیدودلش نیامد
 که گمراهی ما افزون گردد .

این داستان و مانند آن از هرون و مأمون بسیار است ، بطوری که بیش از یک
 جلد کتاب خواهد شد و بنابراین در زیر سایه چنین حکمرانی البته امنیت برقرار
 میگردد و زراعت و تجارت پیش میرود و مردم در خدمتگذاری حکمرانان آماده هر گونه
 فداکاری میشوند و البته مملکت در پرتو عدالت آباد میگردد ، چه عدالت ترازوی
 آسمانی در میان مردم است. آبادی بدون عدالت میسر نمیشود و زندگی حقیقی بدون
 عدالت محقق نمیشود و برای پادشاهان، جز با عدالت عزت و جلال فراهم نمیاید. چون
 از قدیم گفته‌اند عظمت کشور بسته بر جلال است و پایداری امور رجال بر مال است و مال
 با آبادی بدست میآید و آبادی در پرتو عدالت انجام مییابد، پس عدل اساس ملک میباشد
 دیگر از موجبات آبادی کشور عباسی آنکه خلفای این سلسله علاوه بر اینکه خود
 سدها و پلها میساختند و نهر میساختند با تمام قوا میکوشیدند که خرابی‌های دوره
 بنی امیه را ترمیم نمایند. و وسایل آبیاری و زراعت را رواج دهند

سواد. از آنرو مملکت رو با آبادی گذارد بخصوص قطعه سواد (عراق)
 که از نقاط حاصلخیز جهان میباشد و چنانکه در فصل مربوط بخراج گفتیم مالیات ارضی
 این کشور (عراق) صدویست میلیون درهم و یاقرب یک ثلث خراج تمام ممالک اسلامی
 بوده است ، در زمان سلاطین ساسانی نیز مالیات سواد بیش از نقاط دیگر بوده، چه
 که در زمان قباد بن فیروز صد و پنجاه میلیون درهم و در زمان انوشیروان دو یست و هشتاد
 و هفت میلیون درهم و در زمان سایر پادشاهان ایران یک صد و بیست میلیون درهم از عراق
 مالیات میگرفتند. و علاوه بر آن سالی سه میلیون درهم بابت خرج مطبخ پادشاه ایران
 از آن کشور برداشت میشد و وصول این مالیاتهای سنگین بزور و ظلم و بی‌داد نبوده بلکه
 بواسطه اتمام پادشاهان ایران و خلفای عباسی در ترویج زراعت و تسهیل وسایل آبیاری

واجب اجرای عدالت محصول زیاد میشده است. و چنانکه میدانیم کشور عراق مانند دره نیل (مصر) کشور پر نعمت و حاصلخیزی میباشد و در رود دجله و فرات زمین حاصلخیزی عراق را از هر جهت مثل اراضی مصر بارور میسازند. با این فرق که چون جریان نیل از جنوب بشمال میباشد در ایام تابستان لبریز میگردد. برعکس دجله و فرات که از شمال بجنوب جاری است و در زمستان سرشار میشود و از آنرو همه ساله پلها و سدهایی که در نتیجه طغیان زمستانی رود خراب شده محتاج به تعمیر میگردد.

مجرای رود دجله در سابق غیر از مجرای امروز آن بوده است بقسمتی که از بغداد تا مداین بطرف جنوب میآمد و از آنجا بدیر عاقول و گرگر و مازاریا میگذشت. سپس رو بمغرب گزارده بشکل عمودی تا فم الصلح و واسط سیر میکرد و از آن پس در مرداب و باطلاق (بطایح) میافتاد، و فرات می پیوست و در نزدیکی بصره بنجله العوراء بر میخورد و کنار آبادان بخلیج فارس میریخت. اما اکنون از مازاریا بمشرق میرود و بعد بجنوب شرقی بر میگردد. در آن ایام فرات دو شاخه داشت یکی از کنار کوفه و دیگری از شرق جاری بود و هر دو شاخه از بطایح عبور میکرد.

بطایح . زمین های گودی که در جنوب عراق میان بصره و کوفه زیر آب مانده بود بطایح یا مرداب خوانده میشد و علت پیدایش آن این بود که در زمان قباد پسر فیروز رود دجله در نزدیکی کسکر طغیان کرد و چون از پیشرفت آن جلوگیری نشد زمین های پهناوری را فرا گرفته زیر آب برد در زمان انوشیروان اقداماتی برای خشکانیدن آن اراضی بعمل آمد، اما پس از انوشیروان در ایام سلطنت پرویز در سال ششم هجری فرات و دجله هر دو طغیان کرد بقسمی که نظیر آن تا آن روز دیده نشده بود، پرویز برای بستن آب کوشش بسیار نمود و در یک روز بدستور وی چهل بند بر رودها بستند ولی از طغیان آب محافظت نتوانستند و مردابها بهمان حال ماند تا مسلمانان برای تسخیر عراق هجوم آوردند و ایرانیان مشغول جنگ شدند و طبعاً از ترمیم سدها غفلت کردند و البته از دهقانان نیز کاری بر نمیآمد و رفته رفته مردابها و باتلاقها فزونی یافت و با این همه خراج آن اراضی هنگفت بود، چه که عبدالله بن دراج در زمان معاویه پنج میلیون درهم از آنجا خراج گرفت، و در عین حال با صلاح آن توجهی نکرد در زمان حجاج (والی

عراق) نیز جنگ‌های داخلی مجالی برای اصلاح سدها و پل‌ها نگذارد و در نتیجه همان غفلت‌ها و طغیان‌های متوالی دجله و فرات، مرداب‌ها وسعت یافت سرانجام حجاج شرحی بولید بن عبدالملک نگاشته هزینه سدبندی و خشکانیدن باتلاقها را سه میلیون درهم بر آورد کرد، و این مبلغ در نظر ولید بسیار بود، امام سلمه برادر ولید بوی گفت: من این پول را میدهم تا بوسیله مأمورین مورد اعتماد خلیفه مصرف گردد و در مقابل خراج زمین‌های پستی که آب در آن میماند برای من باشد.

ولید این پیشنهاد را پذیرفت و مسلمه مبلغ معهود را مصرف کرد و در نتیجه مزارع آبادی پدید آمد. مسلمه دو نهر در آن نواحی کنده آنرا سیبین نامید و کارگران و کشاورزان بسیاری را برای آبادی آن اراضی مأمور نمود و در اثر آن اقدامات سود بسیاری عایدوی و برادرش ولید گردید و پس از آنان هشام نیز استفاده زیادی از آن اراضی برد و تا اواخر بنی امیه آن بهره‌برداری ادامه داشت.

و همینکه خلافت به عباسیان رسید و سواد (عراق) مقر خلافت گشت در احیای اراضی آن کشور همت گماشتند و نهرها کنده و سدها بستند بقسمیکه سدها و نهرها و ترعه‌ها بیکدیگر پیوسته میشد و میان دجله و فرات باغها و مزرعه‌ها چنان متصل شد که از یکدیگر متمایز نمیبود و نهرهای فرات آن نواحی را سیراب میساخت و سایر قسمتهای خاک عراق نیز بهمین وصف معمور و آباد گشت بطوریکه هیچ موقع آبادی و حاصل-خیزی عراق مانند دوره عباسیان نشد چه حاصلخیزی زمین و علاقه خلفای عباسی به آبادی کشور و توجه مردم بامور زراعت دست بهم داده آنهمه نعمت و برکت را فراهم می ساخت.

خراسان . دیگر از ممالکی که مالیات زیاد میداد خراسان بود، چون سر زمین آن حاصلخیز و مردمش بواسطه همراهی با بنی عباس مورد توجه بودند لذا خراسان بسیار آباد گردید و خراج آن به چهل میلیون درهم رسید که بضمیمه خراج عراق نصف کل مالیات ممالک اسلامی میشد. در زمان عباسیان سه کشور بیش از سایر ممالک اسلامی مورد توجه بود اول عراق که خاک حاصلخیز پر نعمت و برکتی داشت. دوم خراسان که هم خاکش حاصلخیز و هم مردمانش سلحشور و پشتیبان بنی عباس

بودند. سوم حجاز که از نظر احترام مذهبی و تثبیت بیعت برای خلفاء مهم بود. اما آبادی خراسان در آن موقع طوری بود که از همه ممالک اسلام برتر مینمود. مقدسی در ضمن گفتگو از شهرهای عراق شرح مبسوطی از آبادی آن بلاد میگوید ولی همینکه بخراسان میرسد اظهار نظر میکند: «گرچه شهرهای عراق بسیار آباد و پر جمعیت است اما ده‌های خراسان خیلی مجلل‌تر از همین شهرهای پر نعمت عراق میباشد و بسیاری از خلفای عباسی اصلاً خراسان را مملکت میدانستند.»

بلاد ماوراءالنهر نیز جزء خراسان محسوب میشود و آن محل نیز پر نعمت و برکت است. ابن حوقل میگوید: «در هیچ‌یک از کشورهای اسلامی جائی نیکوتر و دلکش‌تر از بیرون شهر بخارا ندیده‌ام. همینکه برفراز کهن دژ (قهندز) بخارا میروی تا چشم کار میکند بساط زمردین گسترده است. آسمان مانند گنبد نیلگون بر روی آن درختها و گل‌ها و گیاهها پرتو افکنده است و از میان آنها سبزی و خرمی کاخهای مجلل مثل ستاره‌های آسمانی و یا کلاه‌خودهای پولادین بر روی سطح آبگون نور میفشاند.»

ابن حوقل میگوید: باصفان‌ترین گردشگاههای روی زمین سندوسمرقند و رود ابله و غوطه دمشق است.

والبته بسیاری از ممالک اسلامی در آن عصر درخشان مانند خراسان و ماوراءالنهر و غیره خرم و سرسبز و آباد بوده است (بنقشه کتابهای اسلامی ضمیمه این کتاب مراجعه شود).

مصر. این آبادی و شادابی شهرها و دهها طبعاً بواسطه عدالت گسترده خلفای عباسی بود چه اگر فرمانروایان عدالت پیشه و مهربان باشند آبادی و شادابی کشور تعجب ندارد زیرا مردم اگر امنیت و آزادی داشته باشند و حقوق حقه آنان تأمین بشود خود بخود باصلاح آبادی میپردازند و همینکه مملکت آباد شد خراج افزون میگردد مثلاً کشور مصر بنا بر گفته مورخین عرب در دوره مسلمانان بیست میلیون جمعیت داشته است. اما مردم امروز این عدد را مبالغه میدانند و در اوایل قرن گذشته هرگز این عدد را باور نمیتوانستند مثلاً کمتر کلوت یک میگوید بیست میلیون جمعیت برای کشوری مثل مصر دور از احتمال است چه که زمین مصر توانائی اداره کردن بیش از

یک سوم آن عدد را ندارد، این گفته دکتر کلوت بیک (در قرن نوزدهم میلادی) بود ولی حالاً جمعیت مصر از ده میلیون هم تجاوز کرده است (۱) و مرتب رو با افزایش می‌رود ولی چون کتاب دکتر کلوت بیک در سال ۱۸۴۰ نوشته شده و در آن موقع جمعیت مصر سه میلیون بوده است لذا تصور بیست میلیون نفوس زیادتر از رقم معمول مینموده است و سه میلیون جمعیت زمان محمد علی پاشا که نسبت به جمعیت زمان ممالیک (۲) بسیار بوده در نظر دکتر کلوت بیک عادی می‌آمده است.

اما در زمان ممالیک جمعیت مصر از دو میلیون تجاوز نمی‌کرده شاید زمین‌های زراعتی یک میلیون فدان و یا یک میلیون و کسری بیش نبود، زیرا فرمانروایان ممالیک مردم ستم پیشه‌ای بودند و همینکه آنها رفتند و محمد علی آمد و آن جور و بیداد بر طرف شد و جانشین‌های محمد علی مانند خود او بر فاه حال مردم اهتمام ورزیدند مساحت اراضی مزروع تا پنج میلیون و نیم فدان (۳) رسید و عده نفوس از ده میلیون بالا زده طبعاً میزان درآمد دولت فزونی یافت چه که عدالت آبادی می‌آورد و آبادی بر ثروت می‌افزاید و اگر میزان افزایش و کسری مالیات مصر را در نظر بگیریم این قاعده کلی بخوبی ثابت می‌شود که چگونه در دوره بیداد گری درآمد دولت کم بوده و عکس آن عکس شده است.

مثلاً در دوره خلفای راشدین بیش از هر موقع دیگر مالیات مصر افزایش داشته است زیرا عمر و عاص در زمان عمر دوازده میلیون دینار از مصر مالیات می‌گرفت و مساحت اراضی زراعتی به سی میلیون فدان رسید و عبدالله سعد در زمان عثمان چهارده میلیون دینار (قدری بزور و اجبار) از مصر مالیات گرفت اما همینکه نوبت به بنی امیه

۱- بموجب سالنامه اخیر جمعیت آن کشور بیش از ۲۱ یک میلیون بوده است. مترجم

۲- مملوک یعنی زر خرید و جمع آن ممالیک است. نجم الدین ابوبی از پادشاهان مصر معمولاً غلامانی می‌خرید و در جزیره الروضه کنار نیل گرد می‌آورد و از آنرو آنان را ممالیک بحری (زر خریدان دریائی) می‌گفتند و بالاخره یکی از آن ممالیک برای پادشاهان مصر شده و یکی از پادشاهان ممالیک بحری بنام منصور قلاوون مثل نجم الدین ابوبی گارد مخصوصی از زر خریدان خود تهیه کرد و آنان را محافظ قلعه‌ها و برج‌ها قرار داد و از آنرو ایندهسته از غلامان به ممالیک برجیه مشهور شدند و سر انجام ممالیک برجیه بر ممالیک بحری شورش کردند و قریب دو قرن فرمانروای مصر شدند برای اطلاع بیشتر بکتاب تاریخ مصر تألیف مترجم مراجعه شود. مترجم

۳- یک فدان مساوی با ۲۴۰۰ متر مربع می‌باشد. مترجم

رسید جور و پیداد پیش آمد مالیات مصر بسه میلیون دینار رسید و فقط ابن حبهاب در زمان هشام بن عبدالملك آنرا به چهار میلیون دینار بالا برد .

و چون کشور مصر در زمان عباسیان از مرکز خلافت دور افتاده و کسی بآن توجه نداشت میزان مالیات مثل زمان بنی امیه باقی ماند و همینکه دولت عباسی رو بانهطاطا گزارد، میزان مالیات مصر بیش از پیش کسری یافت و در باره ای سالها (قرن سوم هجری) به هشتصد هزار دینار تنزل یافت و در زمان ابن طولون که بآبادی کشور توجه میکرد ناگهان بچهار میلیون دینار تجاوز کرد، در صورتیکه آنموقع نرخ گندم بسیار ارزان بود (ده اردب يك دینار) پس از سپری شدن دوران ابن طولون و اخشیدیهها در سال ۳۶۳ در دوره حکومت فاطمیان جوهر سردار خلفای فاطمی مالیات مصر به هفت میلیون دینار بالغ شد اما باید گفت که جوهر بوسیله بالا بردن میزان مالیات آن مبلغ را بدست آورد، از آن پس باز مالیات مصر بواسطه آمدن و رفتن پاره ای دولتها بالا و پائین رفت (شرح آن در اینجا مورد ندارد) .

در زمان ممالیک یعنی در اواخر قرن ۱۸ میلادی میزان مالیات مصر با وجود سخت گیری آنان در وصول خراج به منتهی درجه تنزل رسید .

و اینک بودجه حکومت مصر در سال ۱۲۱۳ هجری (۱۷۹۸ میلادی)

درآمد	میده یا نصف
مالیات ده ها و موقوفه ها .	۸۰/۴۶۰/۰۶۸
مالیات بر واردات .	۱۰/۸۷۰/۷۷۳
مالیات خوراکی و مصنوعات .	۲۲/۸۱۱/۸۰۵
مالیات سرانه .	۲۵/۰۰۹/۰۸۱

جمع کل ۱۱۶/۵۶۱/۷۲۷

هزینه

میده یا نصف	
حقوق افسران ارشد .	۲/۹۳۹/۲۴۷
حقوق سپاهیان .	۲۹/۸۷۲/۶۵۷
مخارج متفرقه .	۲/۶۵۳/۵۸۵
مستمری ملایان و هزینه تعلیمات و اوقاف	۸/۴۳۸/۹۹۴
مستمری مبلغین و وعاظ و هزینه مسجد ها و مانند آن .	۱۴/۸۹۲/۱۳۹
هزینه حج .	۴۲/۰۷۰/۶۵۴
جمع کل ۹۹/۸۶۸/۴۷۶	

جمع کل درآمد

۱۱۶/۶۵۱/۷۴۷

جمع کل هزینه

۹۹/۸۶۸/۴۷۶

باقی مانده

۱۶/۷۸۳/۴۵۱

این مبلغ باقی مانده باصطلاح آنروز خزانه نام داشت که همه ساله باستانبول حمل میشد اما پس از چندی حکومت مصر با دولت عثمانی در افتاد و تصمیم گرفت که اصلاً پولی باستانبول نفرستد و پس از شور و مشورت مقرر داشتند که بیش از نیم آن مبلغ باقی مانده را بدین شرح در خود مصر خرج کنند.

میده یا نصف

مرمت قلعه های قاهره .	۳/۰۰۰/۰۰۰
مرمت سایر ابنیه مصر .	۱/۵۰۰/۰۰۰
هزینه جلوگیری از سیل و باز کردن سد .	۲/۰۰۰/۰۰۰
هزینه های دیگر با تصویب شهرداری .	۲/۷۸۳/۴۵۱

جمع کل ۹/۴۸۳/۴۵۱

و همینکه این نه میلیون و کسری را از باقی مانده منها کنیم هفت میلیون و نیم میده بقیه را باسلامبول میفرستادند .

و در هر حال آنچه برای ما مهم است آنست که جمع کل در آمد مصر در زمان

ممالیک ۱۶/۶۵۱/۷۲۷ نصف یا میده بوده و میده در آن ایام چارسنت (تقریباً) میشده یعنی هر ۲۸ نصف مساوی با یک فرانک بوده است. و از آنرو در آمد مصر در آن سالها سالیانه به ۴/۱۵۰/۰۰۰ فرانک بالغ میشده است با این فرق که بهای پول در آن ایام با بهای پول این ایام تفاوت داشته است و این موضوع از نرخ خوراکی ها بخوبی آشکار میگردد مثلاً بهای یک رطل گوشت آن موقع هفت نصف و بهای یک اردب گندم ۲۴۰ نصف بوده و اکنون میده یا نصف مساوی با نیم قروش مصری میباشد (تقریباً) و در آن صورت در آمد مصر در زمان ممالیک ۵۸ میلیون قروش یا ۵۸۰ هزار لیره میبوده است. ولی همینکه خاندان خدیوی فرمانروا گشتند و با بادی مصر کوشیدند رفته رفته مالیات فزونی یافت تا اینکه در سال ۱۱/۸۵۰/۰۰۰ لیره یا بیش از بیست برابر مالیات زمان ممالیک بوده است در صورتی که خاک مصر همان خاک، و رود نیل همان نیل و آب و هوا به همان وضع سابق میباشد و فقط عدالت و امنیت فرق کرده که در پرتو آن آبادی و ثروت اضافه میشده است، این سنت دیرین الهی است که هیچگاه تغییر نمی یابد

در زمان عباسیان خراج (مالیات ارضی) مختلف بود در بعضی

۴- مالیاتها سنگین

جاها از روی مساحت و در پاره ای نقاط دیگر از روی محصول

بوده است

میگرفتند. در صورت اول چه زمین زراعت میشد و چه

نمیشد پرداخت مالیات حتمی بود. و در شق دوم وصول مالیات موکول بزراعت بود و هر يك از این دو نوع مالیات مراتب و درجاتی داشت که بزودی تفصیل آن بیاید.

اینک چون سواد (عراق) مهمترین کشورهای عباسی محسوب میگشت

لذا ابتداء از خراج آن کشور صحبت میداریم:

سواد - هنگامیکه مسلمانان سواد را گشودند مالیات آنجا از روی مساحتی

پرداخت میشد یعنی از هر جریب زمین دولت ایران يك قفیز و يك درهم مالیات میگرفت

جریب عبارت از مساحت شصت ذرع در شصت ذرع و یا ۳/۶۰۰ ذرع مربع بوده است

و اما قفیز از حیث مساحت يك درهم جریب و از حیث وزن هشت رطل و از حیث قیمت سه

درهم محسوب میشد، مالیات قفیز در زمان جاهلیت نیز معمول بوده چنانکه زهیر بن

ابی سلمی میگوید:

ترجمه شعر: «دردهای عراق از قفیز و درهم برای شما چیزهایی میگیرند که

برای اهالی آنجا مقدور نیست.

حال اگر قفیز را سه درهم حساب کنیم جریب سی درهم میشود و ایرانیان از هر جریبی چهار درهم یعنی $\frac{۱}{۴}$ ۱۳ درصد مالیات میگرفتند که البته چندان سنگین نیست منتهی زمین هائی هم که زراعت نمیشده است بهمان میزان مالیات می پرداخته است. همینکه در زمان عمر سواد فتح شد و مسلمانان طرز مالیات گرفتن ایران را دانستند بدستور عمر زمین های مزروع را مساحت کردند و برای هر نوع محصول يك نوع مالیات مقرر داشتند. و مالیات گندم مانند زمان ایرانیان بهمان يك قفیز و يك درهم و یا چهار درهم باقی ماند و مالیات تا کستان از قرار هر جریبی ده درهم و نخلستان هشت درهم و نی شکرشش درهم و یونجه پنج درهم و جودو درهم و هر انسان ۱۲ یا ۲۴ یا ۴۸ درهم (باستثنای زنان و کودکان) تعیین شد. و جمع کل مالیات سواد در آن دوره صد و بیست میلیون درهم میشد باعتبار اینکه اراضی مزروع آنجا را سی میلیون جریب تخمین میزدند، در زمان خلفای راشدین زمین های سواد بسیار آباد شد ولی پس از قتل عثمان مسلمانان بچنگهای داخلی مشغول شدند و تا زمان معاویه و حجاج چنانکه سابق نیز اشاره کردیم بامور کشاورزی عراق توجهی نمیشد و با این حال حجاج مالیات عراق را بهمان میزان مالیات زمان عمر میگرفت و البته بمردم اجحاف و تعدی میکرد یعنی اگر زمینی در ظرف سال زراعت نمیشد مالیات آن معاف نمیکشت و اگر صاحب زمین نمیتوانست آن مالیات را بدهد قرض دولتی بگردن وی میماند و سال بسال سنگین تر میشد از آن بیشتر روستائیان از ده خود میگریختند و املاک را بایر میگذاشتند تا آنکه ناچار مردم بوسیله الجاء خود را از شر مأمورین دولت نجات میدادند و تفصیل الجاء را قبلاً شرح دادیم دیگر از موجبات خرابی عراق آنکه مردم آنجا از بنی امیه تنفر داشتند چون خلفای اموی آنان (مردم غیر عرب) را حقیر و ذلیل میداشتند و همین پیش آمدهای نا مطلوب سبب ویرانی کشور عراق و اختلال امور زراعت آنجا شد. ولی همینکه در سال ۱۳۲ عباسیان بخلافت رسیدند توجه خاصی نسبت بعراق و آبادی عراق مبذول داشتند و نخستین خلیفه عباسی که با آبادی عراق همت گماشت منصور بود چه که وی طرز مالیات گیری مساحی را ظالمانه دید و مالیات جو و گندم را (بیشتر

محصول عراق جو و گندم است) بطرز مقاسمه (مالیات از نوع محصول بمیزان معین گرفته میشد و اگر زمین زراعت نمیشد از مالیات معاف میگشت) تعیین نمود و فقط مالیات قسمت مختصر باقی مانده (حبوبات و خرما و میوه) محصول را بطرز مساحی معین کرد. و گرچه میزان مالیات اخیر معلوم نیست اما همینقدر مسلم است که مهدی پسر منصور (۱۵۶-۱۶۹) برای دریافت مالیات مقاسمه درجات ذیل را تعیین کرد:

۱- زمینهای دیمی نصف محصول ۲- زمینهایی که با دلو آبیاری میشوند یک سوم و با چرخ یک چهارم محصول را مالیات بدهند. و اما مالیات خرما و انگور و سایر میوه‌ها از روی نزدیکی باغ بیازار و بهای آن میوه ها کم و زیاد میگشت و این ترتیب با اشاره معاویه بن یسار و زیر مهدی انجام یافت و در نتیجه نصف محصولات عراق بابت مالیات عاید دولت شد، چه که بیشتر محصول عراق جو و گندم بود و آن هم بطریق دیمی بدست میآمد و با اینکه چنین مالیاتی بسیار سنگین بنظر میرسد، اما در آن زمان مردم عراق با شادی فراوان آن را استقبال کردند، زیرا از امویان جور زیاد تحمل کرده بودند.

ظاهراً رشید یا مهدی ده یک نیز بر آن مقدار افزودند. مالیات عراق شش درهم یعنی نصف بعلاوه یک شد و تا سال ۱۹۲ بدین ترتیب ماند و در آن سال رشید عشر را بخشوده همان نصف و نیمه را تثبیت کرد و در سال ۲۰۴ مأمون مالیات نصف را به بیست درصد تقلیل داد و در سال ۲۱۰ که به ری آمد چندی در آنجا ماند و مالیات آنجا را نیز سبک کرد و همینکه این خبر بمردم قم رسید آنها هم تقاضای تخفیف نمودند ولی مأمون تقاضای آنان را نپذیرفت، مردم قم بشورش برخاستند و مأمون آنان را سرکوب ساخته بجای دو میلیون درهم مالیات معمول سالانه هفت میلیون درهم از مردم قم مالیات گرفت.

بنابر آنچه گفته شد مالیات عراق نسبت با آنچه در زمان خلفای راشدین از روی مساحی گرفته میشد. بسی سنگین مینمود چه که در زمان راشدین از هر جریب زمین چهار درهم مالیات میگرفتند و نسبت جریب به فدان مانند نسبت ۴/۲۰۰ تقسیم بر ۱/۲۶۰

یا نسبتاً ۳۳۳ تقسیم بر ۱۰۰ میباشد، باین معنی که اگر مالیات جریب چهاردرهم بوده مالیات فدان ۱۳ درهم میشده است. و این میزان مالیات نسبت با اراضی مزروع بسیار کم است اما اگر اراضی با یردا نیز بر آن بیفزائیم میزان مالیات مزبور سنگین میشود و شاید معدل هر دو نوع مالیات یکی بشود و دلیل این مطلب آنکه تفاوت مقدار و مبلغ مالیات زمان خلفای راشدین (از روی مساحت) و بعد از آنکه بطور مقاسمه بوده چندان زیاد نمیشد، ولی اگر مالیات آنروز عراق را با میزان مالیات امروزی مقایسه کنیم میزان آنروز سنگین بوده است، زیرا حداکثر مالیات ارضی عراق فعلاً پنج یک است و قسمت عمده ای از اراضی مزروع بطورده یک مالیات میدهد. در لبنان اگر چه ظاهر از روی مساحت مالیات میگیرند ولی اساس آن بر مقاسمه است چه هر چند در لبنان اراضی مساحت شده ولی با رعایت نوع محصول مالیات فرق کرده است. مثلاً زمینی که محصول آن یک کیل زیتون یا یک بار برگ توت یا یک هگندم تخم افشان دارد و یا بهای آن زمین ۳۶۰ فروش باشد آنرا سهم میخوانند و مالیات هر سهمی بیست فروش و فروش و یا شش درصد میگردد.

مصر - پس از عراق از نظر حاصل خیزی مصر درجه دوم است و خراج آنرا از روی مساحت تعیین میکردند باین قسم: که زمین ها را بقدان تقسیم مینمودند و هر فدان را چهار صد قصبه میدانستند و قصبه عبارت از پنج ذرع نجاری و یا شش ذرع و $\frac{1}{4}$ ذرع بزازی بوده است و در اصطلاح حکومتی امروزه مصر (زمان جرجی فدان ۱۹۰۲ میلادی) فدان ۳۳۳ قصبه است. قصبه ۳۵۵ متر مربع میباشد و چون آنرا ب متر مربع تبدیل کنیم هر فدان $4/200$ متر مربع میشود و گاه از این مقدار کم تر یا زیاد تر میگردد و سابقاً گفتیم که در دوره امویان مردم مصر جور و ظلم بسیار میشد و در نتیجه ده ها و مزرعه ها بحال خرابی افتاده بود، مشهورترین والیان ستمگر بنی امیه عبدالله بن حب حاب است که در ایام هشام بن عبدالملک والی مصر شد و بر هر دینار جزیه قبطیان یک قیراط افزوده بطوری که اشاره شد در اثر این تعدی قبطیان شورش کردند و فتنه عظیمی برپا شد. اگر چه در زمان بنی امیه بواسطه ظلم و تعدی والیان بنی امیه همه روزه مردم شورش میکردند و همینکه عباسیان بخلافت رسیدند آبادیهای مصر

بیشتر ویرانه و بایر بود ولی عمال بنی عباس در مصر نتوانستند مثل عمال عراق نسبت به مردم خوش رفتار و مهربان باشند و رعایت حال آنانرا بنمایند چه که مصر از مرکز خلافت (بغداد) دور افتاده بود و مأمورین دولتی هر چه میخواستند از مردم مصر میگرفتند و بر آنان تحمیل مینمودند، چنانکه موسی بن علی در سال ۱۵۶ هجری در اواخر ایام منصور و موسی بن صعب در زمان مهدی مالیات مصر را فزودند و برای دریافت آن همه نوع مردم تعدی کردند و شاید این اقدام بدستور خود خلیفه بود چه که وی آنطور که گفتیم مالیات مردم عراق را افزود.

اما در زمان مأمون یعنی در روزگار عظمت و ثروت مندی دولت اسلام مالیات مصر از قرار هر فدانی ده دینار تعیین شد و هر گاه ارزش پول امروز و آن روز را در نظر بگیریم مالیات آن روز نسبت به مالیات امروز سنگین بوده است، چه مالیاتی که اکنون از زمین های مالیات بده (اکثر اراضی مصر مالیات بده است) مصر گرفته میشود از روی حاصل خیزی زمین تعیین میگردد و اگر چه اسماً اساس آن بر مساحتی است ولی معنأ از روی مقاسمه انجام مییابد زیرا کشور مصر از نظر حاصل خیزی بچندین ناحیه تقسیم شده و مالیات آن با رعایت حاصل خیزی کم و بیش میگردد و مالیات حاصلخیزترین اراضی از هر فدان ۱۸۰ قروش بیشتر نمیشود در صورتیکه این قبیل اراضی در مصر آنقدرها زیاد نیست و بقیه اراضی (اکثریت اراضی) از ده قروش تا صد قروش مالیات میپردازد. هر گاه میزان محصول زمین را مقیاس قرار دهیم معلوم میگردد که مالیات بیش از یک پنجم نخواهد بود چه فدانی که صد قروش مالیات آن باشد به شش لیره یا پنج لیره اجاره میرود.

و اگر معدل مالیات مصر را بحساب بیاوریم برای هر فدان بیش از ۸۵ قروش نخواهد شد زیرا در کشور مصر پنج میلیون ونیم فدان مزروع میباشد و مالیات سال گذشته آن اراضی ۴/۶۵۲/۵۷۰ لیره شد که بهر فدان ۸۵ قروش تعلق میگیرد و در جای دیگر این کتاب اشاره شد که يك قروش امروز مساوی با يك سوم قروش ایام مأمون میباشد و از آن روز و دینار مالیات زمان مأمون برابر با شش دینار امروز است که مساوی با سه لیره میشود و با آن حساب میزان مالیات مصر در زمان مأمون سه برابر امروز بوده است.

ظاهر اُپس از مأمون مالیات مصر افزایش یافت و همینکه در اواسط قرن چهارم هجری جوهر سردار خلفای فاطمی کشور مصر را گشود میزان مالیات سه دینار و نیم بود و جوهر آنرا به هفت دینار بالا برد و البته آن مالیات بسیار سنگین بوده است.

مقدسی در کتاب احسن التقاسیم عینویسد: «اساساً در مصر مالیات نبوده است بلکه کشاورز زمین را از دولت میگیرد و در آن زراعت میکند و همینکه محصول بدست آمد آنرا خرمن کرده مهر میزند سپس نماینده دولت میآید و کرایه زمین را از برزگر دریافت داشته باقی را بخود او میدهد» اما باید دانست که این نوع رفتار مربوط به زمینهایی بوده که مالک معین نداشته است و کشاورزان آنرا از دولت میگرفتند و صاحبان آن اراضی که از مأمورین دولت روم بوده اند یا کشته و یا فراری شده بودند و زمین آنان بتصرف بیت المال در آمده بوده و در نتیجه والی (حاکم شرع آنروز) آن اراضی دولتی را کرایه میداد و مال الاجاره آنرا جنس یا نقد میگرفت!

سایر ممالک - در پاره‌ای از ممالک اسلامی از روی مساحی و در پاره دیگر از روی مقاسمه و یا طور دیگر مالیات میگرفتند. مثلاً در نقاط مختلف مملکت فارس سه نوع مالیات دریافت میشد یکی مساحی و دیگری مقاسمه و سومی بطور مقاطعه. اما قسمت عمده اراضی فارس از روی مساحی مالیات میداد و میزان مالیات در شهرهای مختلف فارس تغییر میکرد، مثلاً سنگین ترین مالیاتها را از شهر شیراز میگرفتند بدین ترتیب:

۱ - جو و گندم هر جریبی ۱۹۰ درهم ۲ - بوستان کاری $\frac{1}{4}$ ۲۳۷ درهم ۳ - پنبه ۲۵۶ درهم و چهار دانگ ۴ - تاک ۱۴۲۵ درهم - و اگر چه جریب فارس هفتاد ذرع و هر ذرعی نه قصبه بوده و دو برابر جریب عراق میشده، معذک آن میزان مالیات آن بسیار سنگین بوده است. بهر حال این مالیات در اواسط قرن چهارم از شیراز گرفته میشد ولی میزان مالیات آن در زمان مأمون بدست نیامده است.

مالیات دیار مغرب (شمال آفریقا) نیز در همین حدودها سنگین بوده است، مثلاً عباس بن ابراهیم بن اغلب از هرفدان ۱۸ دینار مالیات میگرفت ولی تصور نمیرود که پرداخت چنین مالیاتی مدتی طول کشیده است بلکه بمقتضیات اوضاع تغییر کرده است.

خلاصه کلام آنکه در زمان عباسیان مالیات سنگین بوده اما مقتضیات زمان و اوضاع اجتماعی طوری بوده که سنگینی آن احساس نمیشد و مردم هم چندان شکایتی از سنگینی آن نداشتند و چه بسا که یک عامل در ظرف چند روز با سانی چندین میلیون (درهم) مالیات جمع میکرد، چنانکه معتصم این عمل را انجام داد و هنگامی که مأمون از دمشق میگذشت نزد برادر خود معتصم (والی شام) از بی پولی شکایت کرد معتصم گفت تا هفته آینده هر چه بخواهی پول تقدیم میدارم - و بعد از چند روز سی میلیون درهم برای مأمون گرد آورد و مأمون هم همانطور که ایستاده بود قسمت عمده آن پولها را تقسیم کرد.

مالیات‌های متنوعه اینک برای تکمیل موضوع مختصری هم از مالیات‌های متنوعه دوره عباسی میگوئیم و آن عبارت بود از:

۱. ده یک کشتی - میزان و مشخصات این مالیات معلوم نیست همینقدر معین است که مبالغ بسیاری از این بابت عاید میشده است. زیرا بازرگانی عراق تا سایر کشورهای جهان حتی هندوچین دامنه داشته است و کشتی‌های بسیار با کالاهای گرانبها بممالک اسلامی آمدوشد میکردند.

چنانکه در پاره‌ای از کتب تاریخی نام بازرگانی را بنام حسن بن عباسی از اهالی بصره ذکر میکنند که کشتی‌های متعددی داشته و کشتیهایش بدورترین نقاط هندوچین میرفته است. و سالی صد هزار دینار (در قرن ششم هجری) مالیات کشتی میداده است. حال اگر یک بازرگان در بصره صد هزار دینار مالیات کشتی میداده سایر بازرگانان در سایر بنادر اسلامی البته مبالغ گزافی از آن بابت میپرداخته‌اند چنانکه مالیات کشتی در بندر عدن در قرن چهارم سالی دو صد هزار دینار و در قرن ششم صد و چهارده هزار دینار بوده است. ظاهراً در زمان عباسیان این مالیات آنقدرها زیاد نبوده و تدریجاً افزایش یافته است چه که در صورت حساب‌علی بن عیسی (سال ۳۰۶ هجری) که برای مقتدر خلیفه عباسی تنظیم شده مالیات کشتیهای بصره فقط ۲۲/۵۲۵ دینار است، در صورتیکه دو صد سال بعدیک تاجر اهل بصره چند برابر آن مبلغ مالیات کشتی میداده است.